

چند نکته در رابطه با سؤالات گرامری کنکور اختصاصی

- سؤالات گرامری کنکور اختصاصی در مجموع حدود ۲۵ سوال است که به شکل‌های مختلف و در بخش‌های مختلف آزمون مطرح می‌شوند:
- ◀ ۱۵ سؤال در بخشی مستقل تحت عنوان «Grammar» و در ابتدای آزمون
 - ◀ ۵ سوال در قالب ساختار جمله (Sentence Structure)
 - ◀ حدود ۵ سؤال در متن کلوز تست (Cloze Test)

سؤالات گرامری را می‌توان به لحاظ دشواری به سه گروه دسته بندی کرد:

- ① سؤالات مرتبط با موضوعات گرامری کتاب‌های درسی دوره متوسطه که از سطح دشواری متوسطی برخوردارند. (معمولاً دو تا سه سوال)

اختصاصی ۱۴۰۰

- We had the volume turned down, so I couldn't make out what the characters in the film about.

- 1) would be talking 2) had talked 3) have talked 4) were talking

- ما صدا را کم کردیم، بنابراین من نمی‌توانستم بفهمم شخصیت‌های داخل فیلم در مورد چه چیزی داشتند صحبت می‌کردند.
- در این تست با توجه به معنی جمله، اشاره به عملی است که در طی زمان مشخصی در گذشته (هنگام تماشای فیلم) در حال انجام بوده است بنابراین به فعل گذشته استمراری نیاز داریم، یعنی گزینه ۴. (گرامر درس دوم پایه یازدهم)

② سؤالاتی که مرتبط با موضوعات گرامری کتاب‌های درسی هستند، اما سطح دشواری آن‌ها بالاتر است، مثلاً:

- ◀ ساختار جمله دشوارتر است
- ◀ دو یا سه نکته گرامری در سؤال مطرح می‌باشد.
- ◀ سوال در رابطه با موضوع گرامری ولی فراتر از سطح کتاب‌های درسی است، مانند شرطی نوع سوم، کاربرد حروف اضافه با ضمایر موصولی و نظایر آن. به مثال زیر از کنکور منحصرآ زبان سال ۹۸ که در رابطه با جملات شرطی ولی فراتر از سطح کتاب درسی است، توجه کنید:

اختصاصی ۱۳۹۸

- Unless you make sure that the flowers soon, they will go dead.

- 1) to water 2) you water 3) be watered 4) are watered

- مگر این که اطمینان حاصل کنید که گل‌ها فوراً آب داده شوند و گرنه خشک خواهند شد.
- این سؤال در رابطه با جمله‌های شرطی است، اما به جای if از unless (مگر اینکه) استفاده شده که در کتاب‌های درسی متوسطه به آن اشاره‌ای نشده است. همان‌طور که می‌بینید فعل جمله نتیجه شرط به زمان آینده ساده است، بنابراین، جمله، شرطی نوع اول و فعل جمله شرط، باید به زمان حال ساده باشد. از طرف دیگر، flowers (گل) کننده کار نیست و نمی‌تواند فاعل فعل «آب دادن» باشد (نمی‌گوییم: .. گل‌ها ژود آب دادند)، بنابراین به فعل مجهول نیاز داریم و گزینه ۴ صحیح است.

③ سؤالات گرامری مرتبط با موضوعاتی که به صورت مستقیم در کتاب مطرح نشده‌اند، اما در بخش‌های مختلف کتاب درسی یا کتاب کار به کار رفته‌اند، مانند:

- ◀ کاربرد مصدر برای بیان هدف
- ◀ کاربرد حرف اضافه با ضمایر موصولی
- ◀ حروف ربط قیدی مانند while, although, whereas و ...
- ◀ کاربرد مصدر یا اسم مصدر به شکل مجهول
- ◀ جمله واردهای وصفی کوتاه شده (عبارت وصفی)
- ◀ جمله واردهای موصولی غیر توصیفی (معتراضه توضیحی) و نظایر آن.

عمومی (خارج) ۹۸

- Behind a house he lives, there are a lot of orange trees.

- 1) that 2) which 3) in which 4) in there

- در پشت خانه‌ای که او در آن زندگی می‌کند، تعداد زیادی درخت پرتقال وجود دارد.
- برای توصیف یک مکان چنانچه نقش قیدی داشته باشد، می‌توانیم از where یا با توجه به معنی جمله، از حرف اضافه مناسب و which استفاده کنیم.

۴) سوالات گرامری در ارتباط با موضوعاتی که کاملاً خارج از کتاب‌های درسی هستند، مانند:

- ◀ وارونگی inversion
- ◀ وجه التزامی subjunctive
- ◀ کاربرد وجه وصفی فاعلی یا مفعولی به جای جمله واردهای قیدی
- ◀ جمله واردهای اسمی و نظایر آن

اختصاصی ۱۴۰۰

• The professor said it was imperative that assignments handed in on or before their due date.

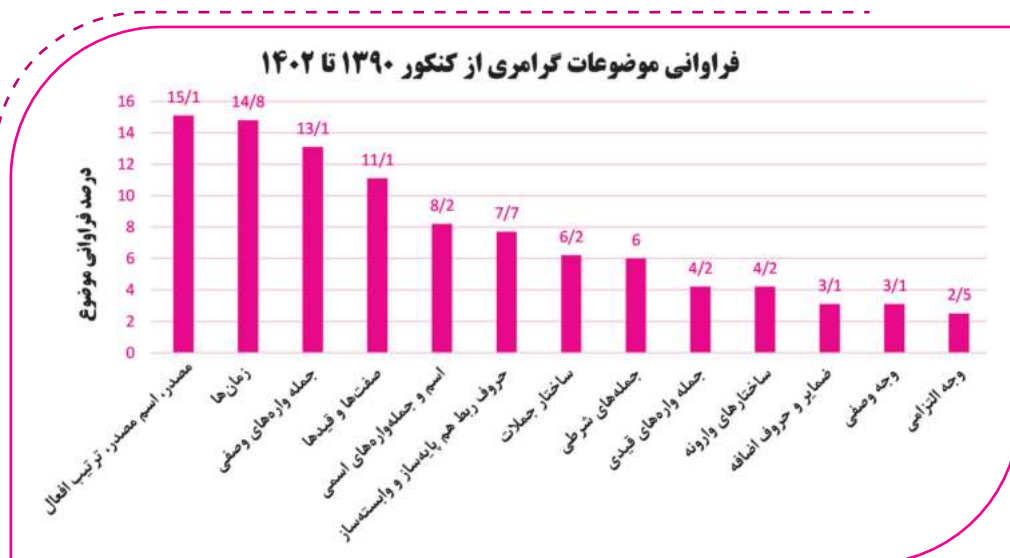
- 1) would be 2) had been 3) to be 4) be

• استاد گفت که لازم است تکالیف در مهلت مقرر و یا قبل از آن تحویل داده شوند.

• پس از عبارت it was imperative نیاز به وجه التزامی (ریشه فعل) داریم، بنابراین گزینه ۴ صحیح است. ضمناً با توجه به معنی جمله (تکالیف باید تحویل داده شوند) به فعل مجهول نیاز داریم که باید be + PP باشد (be handed).

چند نکته در رابطه با پاسخ به سؤالات گرامری:

- ۱) قبل از پاسخ به سؤالات گرامری نگاهی به گزینه‌ها بیندازید و سعی کنید موضوع سوال را حدس بزنید.
- ۲) در بسیاری از موارد، پاسخ به سؤالات گرامری مستلزم درک مفهوم کلی جمله است.
- ۳) در پاسخ به سؤالات گرامری، ترجمه گزینه‌ها می‌تواند به شما در یافتن پاسخ صحیح کمک کند، البته باید در ترجمه گزینه‌ها دقت لازم را داشته باشید.
- ۴) موضوع بسیاری از سؤالات گرامری ترکیبی است، یعنی بیش از یک موضوع گرامری در سؤال و گزینه‌ها مطرح می‌باشد. این موضوع می‌تواند در خیلی از موارد به شما کمک کند با اطمینان از صحیح یا غلط بودن بخشی از یک گزینه، زودتر به پاسخ صحیح برسید.
- ۵) به فراوانی هر یک از موضوعات گرامری در آزمون‌های سال‌های گذشته، توجه ویژه‌ای داشته باشید و به موضوعاتی که بیشترین فراوانی را داشته‌اند وقت بیشتری اختصاص داده و بیشتر تمرین کنید. به درصد فراوانی هر یک از موضوعات گرامری از مجموع ۳۶۰ سؤال گرامری در ۲۴ دوره آزمون منحصراً زبان سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ در نمودار زیر توجه کنید.



◀ با توجه به گستردگی موضوعات گرامری، امکان توضیح کامل همه آن‌ها در این کتاب میسر نیست. اما سعی کرده‌ایم در این بخش تمام موضوعات گرامری که در سؤالات آزمون‌های منحصراً زبان ۲۲ سال گذشته، از آن‌ها سؤال طرح شده است را به صورت مفصل مورد بحث و بررسی قرار داده و با مثال‌های متعدد توضیح دهیم. برای تقریباً تمام موضوعات، نمونه سؤال‌هایی از آزمون‌های عمومی و اختصاصی سال‌های گذشته را ضمیمه هر بحث ساخته و تجزیه و تحلیل کرده‌ایم تا با نوع و شکل سؤالات و میزان دشواری آن‌ها در کنکور منحصراً زبان (اختصاصی) هر چه بیشتر آشنا شوید. برای مطالعه و تسلط بیشتر بر موضوعات گرامری، کتاب‌های «گرامر جامع کاربردی زبان انگلیسی خط سفید» و جلد دوم و سوم کتاب «English grammar in use» را به شما توصیه می‌کنیم.

فهرست موضوعات گرامری

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۶	موارد کاربرد و تفاوت neither و either . too ، so .	۱۰	زمان‌ها
۶۶ both ... and . not only ... but also و ...	۲۰	معلوم و مجهول
۶۶	موارد کاربرد enough و such (a/an) so . too . very	۲۲	ساختار "It is + P.P. + that ..."
۶۷	جایجایی فعل کمکی و فاعل بعد از قیدهای منفی (وارونگی)	۲۴	تست
۶۹	تست	۲۹	افعال کمکی خاص
۷۱	جمله واردهای قیدی	۲۹	• «فعل ساده» + can/could/may/might/must/should
۷۱	جمله واردهای قیدی زمان	۳۰	• « may/might/must/should/can/could + have + P.P.»
۷۱	جمله واردهای قیدی دلیل	۳۱	موارد کاربرد be/get used to و would ، used to
۷۲	موارد کاربرد as و since	۳۱	موارد کاربرد would rather/Prefer ، had better
۷۲	موارد کاربرد whether... or...	۳۲	تست
۷۲	جمله واردهای قیدی تضاد	۳۴	جمله‌های شرطی
۷۲	موارد کاربرد و تفاوت while و whereas	۳۴	شرطی نوع اول
۷۳	موارد کاربرد though ، although و even though	۳۵	شرطی نوع دوم
۷۳	تفاوت however و although	۳۵	شرطی نوع سوم
۷۳	In spite of/Despite	۳۵	وارونگی در جمله‌های شرطی
۷۴	جمله واردهای قیدی هدف	۳۶	شرط عام (شرطی نوع صفر)
۷۴	موارد کاربرد so that و in order that	۳۶	شرط فرضی و ضروری
۷۴	کاربرد so as to ، to و in order to برای بیان هدف	۳۷	unless
۷۴	قیدهای ربط (قید جمله) در جملات مرکب	۳۷	جمله‌های شرطی مختلط
۷۵	کلمات ربط هم‌پایه ساز، وابسته ساز و مرکب	۳۷	تست
۷۷	تست	۴۰	اسم و جمله واردهای اسمی
۸۱	جمله واردهای موصولی	۴۰	مطابقت زمانی فعل‌ها در جمله واردهای اسمی
۸۱	جمله واردهای موصولی توصیفی	۴۱	نقل قول مستقیم و غیر مستقیم
۸۲	کاربرد حروف اضافه در جمله واردهای موصولی	۴۱	جمله واردهای اسمی پرسشی
۸۲	کاربرد when ، where ، whose و why در جمله واردهای موصولی	۴۱	گذشته غیر واقعی
۸۳	موارد حذف ضمیر موصولی	۴۱	as if/as though
۸۳	جمله واردهای توصیفی کوتاه شده (عبارت‌های توصیفی)	۴۲	تست
۸۴	کاربرد some of whom ، none of which و ...	۴۳	تست
۸۴	کاربرد which برای اشاره به تمام جمله	۴۷	مصدر و اسم مصدر
۸۴	جمله واردهای موصولی غیر توصیفی (معتراضه توضیحی)	۴۷	مصدر و موارد کاربرد آن
۸۵	موارد کاربرد وجه وصفی به جای فعل جمله واردهای قیدی	۴۹	اسم مصدر و موارد کاربرد آن
۸۵	موارد کاربرد وجه وصفی معلوم (فعل ing دار)	۵۱	موارد کاربرد فعل ساده
۸۶	موارد کاربرد وجه وصفی کامل (having + P.P.)	۵۱	جمله‌های سببی
۸۶	موارد کاربرد وجه وصفی مجهول (گذشته)	۵۳	وجه التزامی
۸۷	تست	۵۴	تست
۹۲	پرسش‌های تأییدی	۵۹	معرف‌ها
۹۳	ضمایر نامعین در پرسش تأییدی	۵۹	نکات کلی در مورد a/an و the
۹۳	پرسشهای تأییدی در جمله‌های امری	۶۱	موارد کاربرد و تفاوت (a) little و (a) few
۹۳	پرسشهای تأییدی در جمله‌های مرکب و پیچیده	۶۱	موارد کاربرد و تفاوت another و other ، the other
۹۴	تست	۶۲	تست
۹۶	ضمایر تأکیدی و انعکاسی	۶۴	صفت و قید
۹۷	تست	۶۴	ترتیب صفت‌ها
۹۸	حروف اضافه	۶۴	وجه وصفی معلوم (حال)
۹۹	افعال دو کلمه ای	۶۴	وجه وصفی مجهول
۱۰۰	تست	۶۴	جایگاه قید در جمله
۱۰۱	پاسخ تشریحی کلیه سؤالات گرامری	۶۵	مقایسه "صفت‌ها و قیدها"
		۶۵	صفت تفضیلی (برتر) و صفت عالی (برترین)
		۶۶	مشابهت و یکسانی

جمله‌های شرطی، جمله‌هایی هستند که نشان می‌دهند انجام یک عمل یا رسیدن به یک هدف، مشروط به انجام عملی دیگر یا وجود موقعیتی خاص است. با توجه به زمان شرط و میزان امکان یا عدم امکان وقوع یک عمل یا رویداد، سه نوع جمله شرطی وجود دارد که عبارتند از:

شرطی نوع اول	شرط زمان آینده (واقعی)	If I get a good job, I will stay here.
شرطی نوع دوم	شرط زمان حال (غیر واقعی)	If I had enough money, I would buy this car.
شرطی نوع سوم	شرط زمان گذشته (غیر واقعی)	If he had invited me, I would have gone to the party.

شرطی نوع اول	جمله شرط	جمله نتیجه
شرطی نوع اول	حال (ساده، استمراری، کامل) + If	فعل ساده + will / be going to / can / may / must / should / ...
شرطی نوع دوم	گذشته (ساده، استمراری) + If	فعل ساده + would / could / might
شرطی نوع سوم	گذشته کامل (ماضی بعید) + If	would / could / might + have + P.P.

■ شرطی نوع اول First Conditional

از این نوع شرط برای اشاره به آینده و در مواردی استفاده می‌کنیم که امکان وقوع عمل در آینده وجود دارد.

- If you study hard, you **will** certainly **succeed**.
اگر خوب درس بخوانی، حتماً موفق خواهی شد.
- **تذکر ۱** فعل جمله نتیجه ممکن است با سایر زمان‌های آینده (be going to ... آینده استمراری و ...) یا با افعال کمکی که به زمان آینده اشاره دارند مانند **can**، **must**، **should**، **may** و **might** ... بیاید.
- If you **send** this letter now, she **will receive** it tomorrow.
اگر نامه را الان بفرستی، او آن را فردا دریافت خواهد کرد.
- If you **don't hurry**, you **will miss** the train.
اگر عجله نکنی، به قطار نخواهی رسید.
- I **will go shopping** **If I have** time in the afternoon.
من به خرید خواهم رفت اگر بعد از ظهر وقت داشته باشم.
- You **need** to practice regularly **if you're going to be** a good piano player.
شما نیاز است مرتب تمرین کنید اگر می‌خواهید نوازنده پیانوی خوبی شوید.
- You **can't expect** to have any friends if you **don't make** any effort with people.
اگر تلاش نکنید (شما) نمی‌توانید انتظار دوستی با کسی را داشته باشید.
- If you **allow** the cat to come into your house, it **may never want** to leave.
اگر اجازه دهید که گربه به داخل خانه‌تان بیاید، ممکن است هرگز نخواهد (آنجا را) ترک کند.

تذکر ۲

برای بیان پیشنهاد، دستورالعمل، توصیه و نصیحت، هشدار و ...، جمله نتیجه در شرطی نوع اول ممکن است به شکل امری باشد.

- If you can't do something the first time, **try again!**
اگر نمی‌توانی کاری را بار اول انجام دهی، دوباره سعی کن.
- **Call me** if you get home early!
اگر زود به خانه رسیدی، به من زنگ بزن.
- **Don't forget** to lock the door if you go out!
فراموش نکن که اگر بیرون رفتی، در را قفل کنی.
- If you get home late, **don't wake me up!**
اگر دیر به خانه رسیدی، من را بیدار نکن!
- **تذکر ۳** فعل جمله شرط (به ویژه در مکالمات روزمره) ممکن است با سایر زمان‌های حال (حال استمراری، حال کامل، ...) به کار رفته یا با افعال کمکی خاص مانند **can**، **may** و **should** همراه باشد.
- If you're looking for John, he's in the library.
اگر دنبال جان می‌گردی، در کتابخانه است.
- If Mary **can't come**, then we'll have to go without her.
اگر مری نمی‌تواند بیاید، پس ناچار خواهیم شد بدون او برویم.

تذکر ۴

بعد از کلمات ربط زیر و برای اشاره به زمان آینده، فعل جمله همیشه به زمان حال (حال ساده، حال کامل و ...) به کار می‌رود:

if	اگر ...	while	هنگامی که ...	as long as	تا زمانی که؛ مادامی که ...
unless	مگر اینکه	when	وقتی که ...	as soon as	به محض این که ...
after	بعد از این که ...	by the time	تا وقتی که ...	till/until	تا زمانی که ...
before	قبل از این که ...				

- **When/after/before** I come home, I'll call you.
وقتی که/بعد از این که/قبل از این که به خانه برسم، به تو زنگ خواهم زد.

• **Until they our room, we will wait in the hotel lobby.**

- 1) will prepare 2) prepared 3) have prepared 4) are preparing

• تا زمانی که آن‌ها اتاق ما را مهیا کنند، ما در سالن انتظار هتل منتظر خواهیم ماند.

• بعد از کلمات ربط 'if', 'before', 'after', 'when', 'until', 'as soon as' و ... برای اشاره به آینده در جمله‌واره قیدی از زمان حال ساده یا حال کامل و در جمله هسته یا اصلی از زمان آینده استفاده می‌کنیم. در این صورت جمله اول، زمان حال با معنی آینده است. آینده ساده، ... حال ساده/حال کامل + until, when, after, before, if

■ شرطی نوع دوم Second Conditional

• این نوع جمله شرطی، به شرط غیر واقعی یا حال غیر واقعی معروف است، زیرا امکان انجام عمل وجود ندارد یا غیر محتمل است.

• Look at the car. It's very nice and the price is reasonable. **If I had** enough money, I **would buy** it.

به ماشین نگاه کن. خیلی قشنگ است و قیمتش هم خوب است. **اگر پول کافی داشتم**، آن را **می‌خریدم**.

تذکر چنانچه فعل جمله شرط **be** باشد، برای تمام اشخاص و بویژه در انگلیسی رسمی معمولاً **were** به کار می‌رود. البته در مکالمات روز مره **was** نیز صحیح است؛ هر چند برای موقعیت‌های کاملاً تخیلی استفاده از **were** ارجحیت دارد.

• **If I were** you, I **wouldn't buy** that car.

اگر جای تو بودم، آن ماشین را نمی‌خریدم.

■ شرطی نوع سوم Third Conditional

• به شرطی نوع سوم، شرط «غیر واقعی» یا گذشته غیر واقعی می‌گویند که بر یک عمل فرضی در گذشته دلالت دارد.

• I **didn't buy** the car because it was expensive. **If it had been** cheaper, I **would have bought** it.

ماشین را نخریدم چون گران بود. اگر ارزانتر می‌بود، آن را خریده بودم.

• I was able to buy the car because John lent me some money. **If he hadn't lent** me the money, I **couldn't have bought** it.

من توانستم ماشین را بخرم چون جان مقداری پول به من قرض داد. **اگر پول را به من قرض نداده بود**، نمی‌توانستم آن را بخرم.

• **Bob could easily a higher score on his college entrance test if he had read more in his school career.**

- 1) get 2) be gotten 3) be getting 4) have gotten

• باب به سهولت می‌توانست در آزمون ورودی دانشگاه نمرهٔ بهتری بگیرد، **اگر در دوران مدرسه بیشتر درس خوانده بود**.

• فعل جمله شرط (**had read**) به زمان گذشته کامل است (شرطی نوع سوم)؛ بنابراین فعل جمله نتیجه (قسمت اول) با توجه به حضور **could** در جمله، با گزینهٔ ۳ کامل می‌شود (**could easily have gotten**).

نکتهٔ ۹۹ فعل جمله وارهٔ شرط ممکن است به زمان گذشته کامل استمراری نیز به کار رود:

• **If you had been driving** more slowly, you **could have stopped** in time.

اگر آهسته‌تر رانندگی کرده بودی، می‌توانستی بموقع ماشین را متوقف کنی.

■ وارونگی در جملات شرطی (Inversion)

• در انگلیسی رسمی، چنانچه فعل جمله وارهٔ شرط، **should** (شرطی نوع اول)، **were** (شرطی نوع دوم) و **had** (شرطی نوع سوم) باشد، می‌توانیم **If** را حذف کنیم و این فعل‌ها را در ابتدای جمله بیاوریم. به عبارت دیگر جای فعل کمکی و فاعل وارونه (بر عکس) می‌شود.

• **Should you meet Peter**, tell him to call me tonight.

اگر احتمالاً پیتر را دیدی، به او بگو که امشب به من زنگ بزند.

(= If you should meet Peter, ...)

• **Were she my daughter**, I wouldn't send her to that high school.

اگر او دختر من بود، او را به آن دبیرستان نمی‌فرستادم.

(= If she were my daughter...)

• **Had they not taken** Tom to hospital, he would have died.

اگر تام را به بیمارستان نبرده بودند، او مرده بود.

(= If they had not taken Tom ...)

• **for my mother living with me, I think I'd be quite lonely.**

- 1) **Were it not** 2) If there was not 3) Whether or not it was 4) Not being

• **اگر به خاطر این نبود** که مادرم با من زندگی می‌کند، من فکر می‌کنم کاملاً تنها بودم.

• این تست ترکیبی از شرطی و وارونگی است. چون در جمله دوم، **would** یا آینده در گذشته به کار رفته است (**I'd = I would**)، با شرطی نوع دوم سرو کار داریم که هنگام تبدیل شدن به ساختار وارونه، گزینهٔ ۱ می‌شود. اصل جمله این بوده است: **If it were not for my mother**

۵ - شرط عام (شرطی نوع صفر) General Conditional

یکی از انواع جمله‌های شرطی، شرط عام یا شرطی نوع صفر (Zero Conditional) است. در این نوع جمله شرطی، فعل جمله‌واره شرط و نتیجه شرط هر دو به زمان حال ساده است:

جمله‌واره شرط	نتیجه شرط
حال ساده + If	حال ساده

از این نوع جمله‌های شرطی در موارد زیر استفاده می‌کنیم:

- **If I eat bananas, I get red spots on my skin.** اگر موز بخورم، لکه‌های قرمزی روی پوستم می‌زند.
- **If you press this key, the game starts.** اگر این دکمه را فشار دهی، بازی شروع می‌شود.
- **If water freezes, it expands.** اگر آب یخ بزند، منبسط می‌شود.
- **Oil floats if you pour it on water.** روغن شناور می‌ماند اگر آن را روی آب بریزید.

■ شرط ضروری (provided/ providing that, as/so long as, on condition that)

• چنانچه بخواهیم بر ضروری بودن فعل جمله شرط جهت رسیدن به نتیجه تاکید کنیم، از کلمات شرط زیر استفاده می‌کنیم:

provided (that)	مشروط بر آنکه	so long as	به شرطی که ، مادامی‌که
providing (that)	مشروط بر آنکه	on condition that	به شرطی که
as long as	به شرطی که ، مادامی‌که	on the condition that	به شرطی که

- You can go to the party **on condition that** you come home before 10.
تو می‌توانی به مهمانی بروی **به شرطی که** قبل از ساعت ۱۰ خانه باشی.
- You may use the room as you like, **so long as** you clean it up afterward.
تو می‌توانی از اتاق هر طور دوست داری استفاده کنی **به شرطی که** بعدش آن را تمیز کنی.

اختصاصی ۹۵

• You can cancel the ticket you tell the airline 48 hours in advance.

1) until

2) while

3) providing

4) supposing

• شما می‌توانید بلیط را کنسل کنید **مشروط بر آنکه** ۴۸ ساعت قبل به شرکت هواپیمایی اطلاع دهید.

■ شرط فرضی (suppose/supposing that, imagine, what if, in case of)

• برای صحبت کردن در باره یک موقعیت فرضی از کلمات شرط زیر استفاده می‌کنیم. لازم به ذکر است هنگام استفاده از این کلمات، غالباً جمله نتیجه حذف می‌شود.

suppose	فرض کن؛ بر فرض این که	what if	چه خواهد شد اگر...
supposing (that)	فرض کن؛ بر فرض این که	in case	مبادا؛ چنانچه
imagine	فرض کن؛ تصور کن	in case of	در صورت ...

- **Suppose** he asked you to go to the cinema, **would you go**? فرض کن از تو می‌خواست به سینما بروی، آیا می‌رفتی؟
- **Supposing** we miss the bus, how **will we get** to the airport? فرض کن به اتوبوس نرسیم، چطوری خود را به فرودگاه خواهیم رساند؟
- **Imagine** we could all fly. **Wouldn't that be fun**?! تصور کن ما همه می‌توانستیم پرواز کنیم. خنده دار نبود؟!
- **What if** he doesn't arrive on time? چه خواهد شد اگر او به موقع نرسد؟
- She gave me the key to get in the house **in case** you were out. او کلید را به من داد که وارد خانه شوم **مبادا** تو بیرون باشی.

- **Supposing I you that there's a good chance I can get tickets for the concert, what would you say?**
 1) tell 2) were to tell 3) were telling 4) have told

• فرض کن که قرار بود به تو بگویم که شانس گرفتن بلیط برای کنسرت زیاد است، (در این صورت) چی می‌گفتی؟
 • در شرطی نوع دوم، برای بیان یک فرض غیر واقعی، از گذشته ساده استفاده می‌کنیم. کلمه *supposing* به جای *if* به کار رفته، و عبارت *I were to ...* یعنی «... قرار بود که»

unless ■

• **Unless** به معنی «مگر اینکه» از کلمات شرط است که غالباً برای بیان شرط منفی به کار می‌رود و در اکثر موارد معادل **“if ... not”** است.

- You will be late **unless you leave** now. (= ... *if you don't leave...* .) تو دیر خواهی رسید مگر اینکه الان بروی.
- **Unless you work** harder, you'll fail the exam. (= *If you don't work ...* .) مگر اینکه سخت‌تر کار کنی و گرنه در امتحان رد خواهی شد.
- **Unless** the government **changes** its policy, the economic situation will get worse.

مگر اینکه دولت سیاستش را تغییر دهد و گرنه وضعیت اقتصادی بدتر خواهد شد.

■ جمله‌های شرطی مختلط (Mixed Conditionals)

• فعل جمله واره شرط و نتیجه شرط همیشه مطابق آن چه در جمله‌های شرطی نوع اول، دوم و سوم گفته شد، نیست. به عبارت دیگر ممکن است مثلاً فعل جمله شرط گذشته غیر واقعی (ماضی بعید) باشد، اما نتیجه آن به زمان حال اشاره داشته و بنابراین آینده در گذشته ساده باشد.

- **If you hadn't lost** your job, we **wouldn't be living** here. اگر شغلت را از دست نداده بودی، ما (الان) این جا زندگی نمی‌کردیم. به چند مثال دیگر توجه کنید:
 - You **wouldn't be** so hungry **if you had eaten** a proper breakfast. تو الان این قدر گرسنه نبودی اگر یک صبحانه درست خورده بودی.
 - **If I had stayed** at school, I **would be** in university now. اگر مدرسه مانده بودم، الان در دانشگاه بودم.
- ⇐ یا جمله شرط، یک موقعیت فرضی با حال غیر واقعی (گذشته ساده) بیان شده باشد و جمله نتیجه آینده در گذشته کامل (گذشته غیر واقعی) باشد.
- **If Sam spoke** Russian, he **would have translated** the letter for you. اگر سام روسی صحبت می‌کرد، نامه را برای تو ترجمه کرده بود.

تست: جمله‌های شرطی

■ Choose the correct answer.

115. **I think your essay more effective if you made it shorter, and more direct.**
 1) were 2) was 3) would be 4) will be
116. **If you more attention in class, you would achieve better results.**
 1) pay 2) will pay 3) paid 4) have paid
117. **We are not going to buy that house, but if it a little cheaper, we it.**
 1) is - could buy 2) was - would buy 3) will be - bought 4) were - bought
118. **If your mother were here, I sure she let you eat all those chocolates.**
 1) am - didn't 2) was - didn't 3) am - wouldn't 4) was - wouldn't
119. **A: I think I left my keys at your house. Have you seen them?**
B: No, but I'll have a look when I get home.
 1) If I find them, I'll tell you. 2) If I'll find them, I tell you.
 3) If I found them, I would tell you. 4) If I found them, I told you.
120. **I don't know what if anything happened to him.**
 1) I do 2) I'll do 3) I'd do 4) I did
121. **If I get the job, I'll move to Tehran., I'll stay in Ahwaz.**
 1) If not 2) If so 3) If only 4) Only if

■ مشابهت و یکسانی Similarity and Identity

• چنانچه بخواهیم در باره‌ی مشابهت و یا یکسانی دو چیز، دو نفر، دو عمل یا موقعیت و نظایر آن صحبت کنیم از کلمات و اصطلاحات زیر استفاده می‌کنیم.

as	مانند ؛ بهمان اندازه؛ همانطور	alike	شبیبه ؛ مانند هم	also	همچنین ؛ نیز
like	شبیبه ؛ همچون ؛ مثلاً	unlike	بر عکس	as well (as)	و نیز ؛ همچنین
similar (to)	شبیبه ؛ مشابه	too	همچنین ؛ نیز	the same (as)	همان جور؛ بهمان اندازه

- Please do **as** I tell you. لطفاً **همانطور** که من می‌گویم، کار را انجام بده.
- She looks just **like** her mother. او درست **شبیبه** مادرش به نظر می‌رسد.
- Jane and her sister look very **similar**. جین و خواهرش خیلی **شبیبه** یکدیگر به نظر می‌رسند.
- The two sisters always wear **alike**. آن دو خواهر **شبیبه** یکدیگر لباس می‌پوشند.
- Green is my favorite color but I like blue **too**. سبز رنگ دلخواه من است اما آبی را **نیز** دوست دارم.
- She speaks French and she is **also** learning Spanish. او به زبان فرانسه صحبت می‌کند و **همچنین** در حال یادگیری اسپانیایی نیز هست.
- They have a house in Shiraz **as well as** a flat in Tehran. آنها یک خانه در شیراز و **نیز** یک آپارتمان در تهران دارند.
- Their car is **the same** color as ours. رنگ ماشین آنها **به** رنگ ماشین ماست.

■ موارد کاربرد و تفاوت so ، too ، neither و either

• چنانچه بخواهیم دو جمله‌ی مشابه را که فقط در فاعل یا مبتدا با هم فرق دارند به هم وصل کرده و از تکرار کلمات مشابه پرهیز کنیم، با توجه به مثبت و یا منفی بودن دو جمله، از ساختارهای زیر استفاده می‌کنیم:

فاعل + فعل کمکی	and so +	-----+ (مثبت)	جمله اول
فاعل + فعل کمکی	and +	-----+ (مثبت)	جمله اول
فاعل + فعل کمکی (مثبت)	and neither +	-----+ (منفی)	جمله اول
فاعل + فعل کمکی (منفی)	and +	-----+ (منفی)	جمله اول

- Sara can speak English well, **and so can Sima**. (..., and Sima can too.) سارا می‌تواند به خوبی انگلیسی صحبت کند، و **سیمانا نیز** همچنین.
- I was tired **and so were the others**. (..., and the others were too.) من خسته بودم و **دیگران نیز** همچنین.
- Peter can't swim, **and neither can John**. (..., and John can't either.) پیتر نمی‌تواند شنا کند و جان **نیز** همین‌طور.
- Mary doesn't like horror films, **and neither does Tina**. (..., and Tina doesn't either.) مری فیلم‌های وحشت را دوست ندارد و **تینا نیز** همچنین.

تذکر در انگلیسی بریتانیایی بجای **neither** می‌توان از **nor** استفاده کرد.

- She couldn't answer all the questions, **and nor could I**. او نتوانست به همه پرسش‌ها پاسخ دهد و من **نیز** همین‌طور.

■ both ... and ... ، not only ... but also ... و ...

• **both ... and ...** به معنی 'هم ... و ...' است و دو کلمه و یا عبارت متوازن و هم‌پایه را به هم وصل می‌کند. به عبارت دیگر کلمه‌ها و یا عبارت‌های بکار رفته بعد از **both** و **and** غالباً شبیه به هم هستند.

- I spoke to **both** the manager **and** his secretary. من **هم** با مدیر و **هم** با منشی‌اش صحبت کردم.
- I **not only** borrowed money from Tom, **but also** from his wife. من **نه تنها** از تام، بلکه از همسرش **هم** پول قرض گرفتیم.
- **either...or ...** به معنی 'یا ... یا ...' و **neither...nor ...** به معنی 'نه ... نه ...' می‌باشد.
- The room is too crowded- **either** two chairs **or** a table has got to be moved out. اتاق بیش از حد شلوغ است - **یا** دو تا صندلی **یا** یک میز باید به بیرون برده شود.

■ موارد کاربرد too, such (a/an), so ، very enough

• به چگونگی کاربرد **so ، such ، too ، very** و **enough** در الگوهای زیر و مثال‌های ذیل آن‌ها توجه کنید:

- 1 very + صفت / قید ساده
- 2 so + that ... + صفت / قید ساده
- 3 such (a/an) + اسم + that ... + صفت
- 4 too (مصدر + to + مفعول + for) + صفت / قید ساده
- 5 enough + (مصدر + to + مفعول + for) + صفت / قید ساده
- 6 enough + (مصدر + to + اسم)

- It was **very cold**. We stayed home. خیلی **سرد** بود. در خانه ماندیم.
- It was **so cold** that we stayed home. آنقدر **سرد** بود که در خانه ماندیم.
- It was **such a cold day** that we stayed home. چنان **روز سردی** بود که در خانه ماندیم.
- It was **too cold** to go out. بیش از حد **سرد** بود که بیرون برویم. (بیرون نرفتیم.)
- It was **warm enough** to go out. هوا به اندازه **کافی گرم** بود که بیرون برویم. (بیرون رفتیم.)

- The light was **so bright that** I had to cover my eyes. نور آنقدر زیاد بود که من مجبور شدم چشمانم را بپوشانم.
 - Tom always speaks in **such a low voice that** I can barely understand what he says. تام همیشه با آن چنان صدای آرامی صحبت می کند که من به زحمت می فهمم چه می گوید.
 - A child of his age is **too young and inexperienced to recognize danger**. بچه ای به سن او بیش از حد کوچک و بی تجربه است که خطر را تشخیص دهد. (تشخیص نمی دهد)
 - I could never be a teacher, I'm just not **patient enough**. من هرگز نمی توانم معلم شوم. من به اندازه کافی صبور نیستم.
 - Tom didn't have **enough experience** to do the job well. تام تجربه کافی نداشت که کار را به خوبی انجام دهد.
 - He'd lost **so much weight that** I hardly recognized him! او آنقدر وزن کم کرده است که به زحمت او را شناختم.
 - This T-shirt has been washed **so many times that** it's lost its shape. این تیشرت آنقدر زیاد شسته شده که شکلش را از دست داده است.
- تذکر** گاهی اوقات برای زیبایی جمله از الگوی زیر در ساختار **so** استفاده می کنیم:

... + اسم + **a/an** + صفت + **so** + فعل + فاعل

He was not **so quick a learner** as his brother.

او آن چنان شاگرد باهوشی (تیزی) به اندازه برادرش نبود.

■ جابجایی فعل کمکی و فاعل بعد از قیدهای منفی (وارونگی Inversion)

- هرگاه جمله ای برای تاکید با یکی از قیدهای منفی و یا محدود کننده زیر شروع شود، معمولاً جمله بعد را باید مانند جمله های سؤالی با فعل کمکی شروع کنیم. به عبارت دیگر جمله شکل سؤالی دارد، ولی علامت سؤال نخواهد داشت.

Never	هرگز	Hardly	بزحمت؛ بندرت	Only ...	فقط	By no means	به هیچ وجه
Nor	و همچنین نه	Rarely	بندرت	Not only	نه تنها	No sooner	به محض اینکه
Nowhere	هیچ جا	Scarcely	ندرتاً؛ بندرت	Not once	هرگز		
Neither	و همچنین نه	Seldom	ندرتاً	At no time	هرگز		

- Never in all my life **have I felt** so embarrassed. هرگز در زندگی ام آنقدر شرمنده نشده بودم.
- Nowhere **have I seen** such beautiful weather. هیچ جا چنین هوای خوبی ندیده ام.
- Hardly **had they reached** Edinburgh than they were ordered to return to London. هنوز به ادینبورگ نرسیده بودند (به سختی به ادینبرگ رسیده بودند) که به آنها دستور داده شد به لندن برگردند.
- Seldom **do we receive** any apology when mistakes are made. ما به ندرت عذرخواهی دریافت می کنیم وقتی اشتباهاتی رخ می دهند.
- Only half the guests **had arrived** by seven o'clock. تنها نیمی از مهمانان تا ساعت هفت رسیده بودند.
- No sooner **had I sat down** than there was a loud knock on the door. به محض اینکه نشستم ضربه بلندی بر در کوبیده شد.
- At no time **did I ever say** or suggest or even hint that she should lie about what I was doing. من در هیچ زمانی هرگز نگفتم یا پیشنهاد نکردم یا حتی اشاره نکردم که او در مورد آنچه من انجام می دادم، دروغ بگوید.

اختصاصی ۹۵

- **Not only whales among the largest animals that ever lived, but they are also among the most intelligent.**

1) are

2) some

3) are they

4) there are

- وال ها نه تنها جزو بزرگترین حیواناتی هستند که تاکنون زیسته اند، بلکه جزو باهوش ترین آن ها نیز هستند.
- با توجه به وجود قید محدود کننده **Not only** در ابتدای جمله، بعد از آن به ساختار وارونه نیاز داریم، یعنی ابتدا فعل و سپس فاعل. بنابراین گزینه ۱ صحیح است.

تذکر در ساختارهایی که با قیدهای منفی آغاز می شوند، وارونگی در جمله وارده دوم رخ می دهد.

Not until / Only if / Not since / Only when / Only once / Only after / ...

- **Not until** I take a rest **will I be** able to clean my desk. تا زمانی که استراحت نکنم، نخواهم توانست میزم را تمیز کنم.
- **Only if** I hit the targets **will I get** a bonus. فقط اگر من به هدف بزنم، جایزه خواهم گرفت.
- **Not since** he failed an exam **have I seen** him studying. از زمانی که او از امتحان افتاد، او را در حال درس خواندن ندیده ام.
- **Only when** she released an album **did she star** in rock music. تنها زمانی که او یک آلبوم منتشر کرد، در موسیقی راک ستاره شد.
- **Only later did I understand** what she meant. تازه بعدها فهمیدم منظور او چه بود.
- **Only once** you have understood the recipe **will you be** able to cook the food. فقط زمانی که شما دستور پخت را بفهمید، خواهید توانست غذا را درست کنید.
- **Only after** she finished her speech with her fans **was she able to** relax. تنها پس از اینکه او سخنرانی خود را با طرفدارانش تمام کرد، توانست استراحت کند.

■ در موارد زیر نیز وارونگی اتفاق می‌افتد

❶ در جملات شرطی که فعل جمله واره شرط **were, should یا had** (شرطی نوع سوم) باشد. برای توضیحات بیشتر به صفحه ۳۵ رجوع کنید.

❷ چنانچه **so یا such** به همراه صفت یا قید در ابتدای جمله بیاید و فعل جمله، فعل ربطی باشد.

- So high **were the waves** that they were crashing into the boat and it began to fill with water.
امواج آنچنان بلند بودند که به قایق برخورد می‌کردند و قایق شروع کرد به پر شدن از آب.
- Such **is the elegance** of this typeface that it is still a favourite of designers.
این سبک چاپی حروف آنقدر ظریف است که هنوز مورد علاقه طراحان است.
- Such an extraordinary story **was it** that no one believed a word of it.
آن داستان آنقدر غیر عادی بود که هیچ‌کس حتی یک کلمه از آن را باور نکرد.
- Such a sense of relief **did I feel** when I finally got my exam results.
حسی آسودگی بسیار زیادی به من دست داد زمانی که نتایج امتحاناتم را دریافت کردم.

❸ چنانچه **there و here** در ابتدای جمله قرار گیرد به شرط آن که فاعل ضمیر نباشد.

- **Here** comes the taxi!
این هم (از) تاکسی.
- **Here's** the money you lent me.
بفرمایید این هم پولی که به من قرض دادید.
- **Here are** some pictures of John when he was little.
این هم بعضی از عکس‌های جان وقتی کوچک بود.
- **There goes** the last bus (= we've just missed it).
آن هم آخرین اتوبوس که راه افتاد. (آن را از دست دادیم).
- **There remain** several questions still to be answered.
هنوز چندین سؤال مانده که باید پاسخ داده شوند.

❹ هرگاه قید زمان و مکان در ابتدای جمله قرار گیرد مشروط بر آن که فعل جمله، فعل لازم (ناگذر) باشد.

- First Lewis will give a TV interview. **Then comes** the main news conference.
اول لوئیس مصاحبه تلویزیونی خواهد داشت. بعدش کنفرانس خبری اصلی برگزار خواهد شد.

تذکر در بعضی موارد، جای فعل و فاعل به‌طور کامل عوض می‌شود به شرط آن که کلمه یا عبارت بیان‌کننده مکان، مفرد و وجود آن عبارت برای تکمیل جمله ضروری باشد.

- **In the closet are** the clothes that you want.
لباس‌هایی را که می‌خواهید در کمد هستند.
- **Beyond the mountains lies** the town where you will live.
آن سوی کوه‌ها شهری قرار دارد که شما در آن‌جا زندگی خواهید کرد.
- **In the forest are** many exotic birds.
در جنگل پرندگان غیر بومی زیادی وجود دارند.

❺ برای تأکید خاص روی صفت یا قید، می‌توانیم آن‌ها را قبل از **though** بیاوریم به ویژه آن‌که به دنبال آن‌ها فعل ربطی به کار رود. در این صورت، صفت یا قید در ابتدای جمله و قبل از **though** قرار گرفته و به دنبال آن فاعل و فعل می‌آید.

- **Strange though** it may seem, I like housework.
هر چند ممکن است عجیب به نظر برسد، (اما) من کار خانه را دوست دارم.
- **Poor though** her family was, they would never ask for help.
با وجود اینکه خانواده‌اش فقیر بود، آن‌ها هرگز تقاضای کمک نکردند.
- **New though** the car is, it rattles.
با آن‌که اتومبیل نو است، تلق تلق می‌کند.

تست: صفت‌ها و قیدها

■ Choose the correct answer.

- 315. Yesterday, it was day for me. It was day of my life.**
 1) very bad - worst 2) a very bad - the worst
 3) very bad - worse 4) a very bad- very worse
- 316. Betty is staying at home. Her cold is a lot today.**
 1) more bad 2) better than 3) better 4) worse
- 317. It's getting more to find a cheap hotel.**
 1) hardly 2) and more difficult 3) and very difficult 4) difficult than
- 318. Paul and I played tennis yesterday. He's much me, so he won**
 1) as good as - easy 2) better than - easily 3) the best of - easily 4) better than - easy
- 319. All three cameras look, but which one is to use?**
 1) good - the easiest 2) good- easier
 3) well - the easiest 4) well - the easier
- 320. The weather today is yesterday, but it is still quite nice to go out for a walk.**
 1) as cool as 2) more cooler 3) cooler than 4) the coolest
- 321. Yesterday I bought a shirt which was so beautiful.**
 1) nice pink Turkish cotton 2) nice pink cotton Turkish
 3) nice Turkish pink cotton 4) pink nice Turkish cotton
- 322. The food they served I expected it to be.**
 1) wasn't as nice as 2) nicely wasn't 3) as it wasn't nice as 4) it wasn't as nicely
- 323. I was lonely that my parents bought me a puppy.**
 1) very 2) such 3) too 4) so
- 324. Pineapples are not commercially produced in North America**
 1) and are coconuts either 2) and not coconuts either
 3) and neither are coconuts 4) and neither coconuts nor
- 325. The new pens require than ordinary pens do.**
 1) the thicker ink 2) a thicker ink 3) the ink is thicker 4) an ink and thicker
- 326. Only once to the opera in the whole time I was in Italy.**
 1) I went 2) did I go 3) I had gone 4) had I gone
- 327. You talked to her that I don't think she'll be coming back.**
 1) so rude 2) very rude 3) so rudely 4) very rudely
- 328. You and I don't agree. In other words, your ideas are not**
 1) same as me 2) same as mine 3) the same as mine 4) the same as me
- 329. Now that they both had their hair cut, the twins looked even**
 1) to be likely 2) more alike 3) much likeable 4) with likelihood
- 330. the wallet, the head.**
 1) Fatter- emptier 2) The fatter- the emptier
 3) The fattest- the emptiest 4) It's the fattest- it's the emptiest
- 331. Little I'd become president of the company.**
 1) I thought 2) did I think 3) I had thought 4) had I thought
- 332. The more the customer complained, the manager became.**
 1) more unpleasant 2) the more unpleasant 3) most unpleasant 4) the most unpleasant
- 333. Some of the things are small without a microscope.**
 1) too - to see 2) very - to see 3) so - that don't see 4) such - that don't see

- ۱۱۸ ۳ «اگر مادرت اینجا بود، مطمئن هستم اجازه نمی‌داد همه آن شکلات‌ها را بخوری.»
- were در جمله شرط نشان دهنده شرطی نوع دوم است و بنابراین جواب شرط به زمان آینده در گذشته و یکی از دو گزینه ۳ یا ۴ است (به خاطر 'wouldn't). همان‌گونه که می‌دانید، با توجه به این‌که در این نوع شرط اشاره به زمان حال است، گزینه ۳ صحیح است. عبارت «I am sure» ربطی به نتیجه شرط ندارد و می‌توان آن را حذف کرد.
- الف: فکر می‌کنم کلیدهایم را در خانه‌تان جا گذاشته‌ام. آیا آن‌ها را دیده‌اید؟»
- ب: نه، اما وقتی به خانه برسم، نگاهی خواهم کرد. اگر آن‌ها را پیدا کردم، به شما خواهم گفت.
- از مفهوم جمله دوم کاملاً آشکار است که اشاره جمله به زمان آینده است، یعنی شرطی نوع اول. در این شرطی، فعل جمله شرط به زمان حال و فعل جواب شرط به زمان آینده است. بنابراین گزینه ۱ صحیح است.
- «نمی‌دانم اگر برایش اتفاقی می‌افتاد، چکار می‌کردم؟»
- عبارت I don't know تأثیری در زمان جمله بعد از خود ندارد چون فقط یک مقدمه چینی برای جمله اصلی است که از نوع شرطی زمان حال است و درباره عملی غیر محتمل صحبت می‌کند (...اگر برایش اتفاقی می‌افتاد؟). با توجه به اینکه فعل جمله شرط به زمان گذشته ساده است (happened)، برای جواب شرط I'd do می‌آوریم که مخفف I would do است.
- «اگر شغل را بدست آورم، به تهران نقل مکان خواهم کرد. اگر نه (اگر بدست نیاورم)، در اهواز خواهم ماند.»
- ۱) اگر نه ۲) اگر این‌طور است ۳) ای کاش ۴) فقط به شرط اینکه
- جواب سؤال با توجه به معنی جمله کاملاً مشخص است. از if not و if so برای اجتناب از تکرار جمله قبلی استفاده می‌کنیم.
- «همه مردم می‌توانند دوست باشند، حتی اگر زبان و آداب و رسومشان متفاوت باشد.»
- ۱) اگر، چنانچه ۲) فقط به شرط اینکه ۳) مگر اینکه ۴) حتی اگر
- پاسخ به سؤال از معنی گزینه‌ها کاملاً روشن است. برای بیان وقوع یک امر غیر منتظره از even if استفاده می‌کنیم.
- «عفونت احتمالاً به بخش فوقانی بدن سرایت خواهد کرد مگر اینکه کنترل شود.»
- ۱) فقط به شرط اینکه کنترل شود ۲) مگر اینکه کنترل شود ۳) حتی اگر کنترل نشود ۴) مگر اینکه کنترل نشود
- برای پاسخ این سؤال کافی است گزینه‌ها را بدقت معنی کنید. حرف ربط شرطی unless (مگر اینکه) معادل if ... not است.
- الف: اگر فضا نورد بودی، دوست داشتی کجا می‌رفتی؟»
- ب: به مریخ می‌رفتم و می‌دیدم که آیا کسی آنجا زندگی می‌کند.»
- این سؤال و جواب که از کتاب درسی دوازدهم انتخاب شده است، شرطی نوع دوم (زمان حال) است که درباره عمل غیر محتمل صحبت می‌کند. دقت کنید که if در جمله پاسخ، حرف ربط شرط نیست، بلکه یک حرف ربط به معنی «... که آیا ...» است، که برای ربط یک جمله سؤالی از نوع Yes/No question به جمله دیگر استفاده می‌شود، بنابراین گزینه‌های ۳ و ۴ را کنار می‌گذاریم. از بین گزینه‌های ۱ و ۲ گزینه ۱ را انتخاب می‌کنیم چون در شرطی نوع دوم اشاره به زمان حال است و lives صحیح است.
- «اگر به شما یک دوربین ارزان قیمت پیشنهاد می‌شود، آن را نخرید. احتمالاً سرقتی است.»
- ۱) دارید پیشنهاد می‌کنید ۲) پیشنهاد می‌شود ۳) پیشنهاد خواهید کرد ۴) پیشنهاد شده است
- پاسخ به این سؤال دقت بیشتری لازم دارد. در این جمله you فاعل فعل offer (پیشنهاد کردن) نیست، بلکه مفعول است که جانشین فاعل شده است. به معنی جمله دقت کنید: اگر به شما یک دوربین ارزان قیمت پیشنهاد شود ... (نمی‌گوییم: اگر یک دوربین ارزان قیمت پیشنهاد کنید ...). و لذا فعل جمله باید مجهول باشد. با توجه به مفهوم جمله که بر یک عمل همیشگی دلالت دارد، گزینه ۲ (زمان حال ساده) صحیح است.
- دوست ندارم فکر کنم چه اتفاقی ممکن بود بیفتد اگر او اندکی سریع‌تر رانندگی کرده بود.
- جمله‌واره شرطی به زمان گذشته کامل استمراری است و نوعی گذشته غیر ممکن را بیان می‌کند، پس شرطی نوع سوم است و در جمله پایه به زمان آینده در گذشته کامل نیاز داریم. عبارت I'd like to think تأثیری در انتخاب ما ندارد.
- پلیس به موتورسواران توصیه می‌کند که فقط اگر سفرشان کاملاً ضروری است، به سفر بروند.
- ۱) مگر اینکه (اگر نه) ۲) گویا، انگار ۳) تنها اگر، فقط اگر ۴) مبادا
- از این تراژدی می‌توانست جلوگیری شود اگر خدمه کشتی اصول ایمنی را رعایت کرده بودند.
- با توجه به زمان گذشته کامل در جمله‌واره شرطی، با ساختار شرطی نوع سوم (گذشته) مواجهیم و در جمله نتیجه شرط نیاز به آینده در گذشته کامل داریم. اما چون تراژدی نمی‌تواند کننده کار باشد، باید به شکل مجهول نیز باشد، یعنی گزینه ۴.
- اگر به خاطر کمک شما نبود، ما از تصادف جان سالم به در نبرده بودیم.
- با توجه به فعل جمله شرط که به زمان گذشته کامل است (hadn't been)، با شرطی نوع سوم مواجهیم؛ بنابراین برای فعل جمله نتیجه شرط به آینده در گذشته کامل نیاز داریم که با توجه به معنای جمله، گزینه ۱ صحیح است.
- «برای نجات مرد تلاش می‌کردم، اگر شنا بلد بودم.»
- ۱) تلاش کردم ۲) تلاش خواهم کرد ۳) تلاش می‌کردم ۴) تلاش کرده بودم
- با توجه به وجود فعل گذشته knew در جمله شرط، با شرطی نوع دوم سر و کار داریم، و گزینه ۳ صحیح است.
- کاملاً مطمئن هستم اگر جنیفر جای تو بود، همین کار را جور دیگری انجام می‌داد.
- حضور would do در جمله نتیجه شرط نشان می‌دهد که با شرطی نوع دوم سر و کار داریم. چنانکه در درسنامه گفته‌ایم، اگر فعل جمله

۴ ۳۰۶

من هر دوی آنها را بسیار دوست دارم. فکر می‌کنم تا حد زیادی نیز شبیه یکدیگر هستند.

● با توجه به معنای جمله هیچ یک از گزینه‌های دیگر نمی‌توانند در جای به کار روند.

۳ ۳۰۷

شما می‌توانید هر یک از این دو واحد درسی انتخابی را بردارید؛ هر دوی آنها بسیار جالبند.

● با توجه به معنی، جمله دوم به دو واحد درسی در جمله قبل اشاره دارد که فقط با both کامل می‌شود، یعنی گزینه ۳.

۲ ۳۰۸

هر یک از داوطلبین مایل است فرصتی برای بحث کردن در مورد دیدگاه خود داشته باشد.

● صفت کمی all با فعل جمع به کار می‌رود (رد گزینه ۱). صفات کمی every و each با فعل مفرد به کار می‌روند (رد گزینه ۳). whole به معنی (همه، تمام) صفت است و به تنهایی با of نمی‌آید (رد گزینه ۴).

🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗

۱ ۳۰۹

بسیاری از گازها، از جمله نیتروژن و اکسیژن در هوا هیچ رنگ یا بویی ندارند.

● عبارت قبل از نقطه چین (Many gases, including nitrogen and oxygen in air, ...) فاعل جمله است که در ادامه آن نیاز به فعل زمان‌دار داریم (رد گزینه ۲). گزینه ۳ شروع یک جمله واره وصفی با ضمیر موصولی which است که باید بلافاصله بعد از موصوف (Many gases) می‌آید که در آن صورت هم جمله فاقد فعل اصلی و غلط بود. در گزینه ۴، they تکرار فاعل (Many gases) می‌باشد و غلط است.

۲ ۳۱۰

اگر عجله نکنید، قطار را از دست می‌دهیم. وقت بسیار کمی برای تلف کردن داریم.

● از معنی جمله، مفهوم منفی استنباط می‌شود، بنابراین گزینه ۲ صحیح است. چنان‌که می‌دانید little (کم و ناکافی) مفهوم منفی ولی a little (کم ولی کافی) مفهوم مثبت دارد. only little time (فقط وقت کمی) یک ترکیب بی معنی است و نمی‌توان آن را به جای very little time (وقت خیلی کمی) که مفهوم منفی دارد، به کار برد (رد گزینه ۱). much of time یک ترکیب نادرست است و نیاز به of ندارد (much time) و به دنبال آن مصدر با to می‌آید (رد گزینه ۳). بعد از enough مصدر با to به کار می‌رود (رد گزینه ۴). لازم به ذکر است که برای تأکید بر کم بودن مقدار یا میزان چیزی می‌توانیم از very few یا very little استفاده کنیم.

۱ ۳۱۱

کار خیلی کمی بود که دکترها بتوانند برای نجات بیمار انجام دهند. او بر اثر جراحات وارده در تصادف، جان خود را از دست داد.

● few با فعل جمع به کار می‌رود، بنابراین با وجود فعل مفرد was نمی‌توان از few استفاده کرد (رد گزینه ۲). as far as به معنی «تا جایی که» با معنی جمله هیچ تناسبی ندارد (رد گزینه ۳). little به معنی «کم، اندک» صفت است و مفهوم منفی دارد و با اسامی غیر قابل شمارش به کار می‌رود، اما در این جمله جایگزین ترکیب وصفی little work گردیده که با یک جمله‌واره موصولی توصیف شده و ضمیر آن که that یا which بوده نیز حذف شده است. اصل جمله به صورت «... There was little work that the doctors could do» بوده است.

۴ ۳۱۲

اگر نیاز به نصیحت دارید و تصور می‌کنید من می‌توانم مضمثرمتر باشم، بسیار خوب، بفرمایید درخواست کنید (تا انجام دهم).

● در جای خالی به ضمیری نیاز داریم که به جای اسم advice قرار گیرد. از آنجایی که این اسم غیر قابل شمارش و مفرد است، به جای آن some به کار می‌بریم.

۳ ۳۱۳

او آنقدر کم با امتحان مشکل داشت که ۱۵ دقیقه زودتر جلسه را ترک کرد.

● trouble اسم غیر قابل شمارش است و با a little یا a little می‌آید (رد گزینه‌های ۱ و ۲). با اندکی دقت در معنی جمله، درمی‌یابیم که مشکل‌گوینده با امتحان بسیار کم بوده است، بنابراین little درست است.

۲ ۳۱۴

هر دختر و پسری در این کشور نیاز دارد قبل از ورود به مدارس دولتی خود را در مقابل بیماری‌های خاص واکسینه کند.

● بعد از صفت every به همراه هر اسمی فعل مفرد به کار می‌رود، بنابراین گزینه ۲ صحیح است. گزینه‌های ۱ و ۳ افعال جمع هستند و فعل گزینه ۴ زمان‌دار نیست، در حالی که به فعل زمان‌دار نیاز داریم.

🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗🔗

۲ ۳۱۵

«دیروز برایم روز خیلی بدی بود. بدترین روز زندگی‌ام بود.»

● قبل از اسم مفرد حرف تعریف a به کار می‌رود (رد گزینه‌های ۱ و ۳). در قسمت دوم، یک روز با تمام روزهای زندگی مقایسه شده است و صفت عالی لازم است.

۴ ۳۱۶

«بتی در خانه است. سرما خوردگی‌اش امروز خیلی بدتر است.»

● شکل تفضیلی bad بی‌قاعده و worse است. با توجه به مفهوم جمله (این‌که در خانه مانده است) معلوم می‌شود که حال بتی بدتر بوده و بنابراین گزینه ۴ صحیح است.

۲ ۳۱۷

«پیدا کردن یک هتل ارزان سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود.»

(۱) به‌ندرت (۲) و سخت‌تر (۳) و خیلی سخت (۴) مشکل از

● hardly (به‌ندرت، به‌زحمت) جزو قیدهای تکرار است که شکل تفضیلی ندارد ضمن این‌که در اینجا بعد از فعل ربطی get (شدن) صفت لازم است. وجود and در گزینه ۳، جمله را بی معنی می‌کند. (بیشتر و خیلی سخت می‌شود...) در گزینه ۴ بعد از than طرف دوم مقایسه نیامده است. بنابراین گزینه ۲ صحیح است که more جهت تأکید تکرار شده است.

۲ ۳۱۸

«پاول و من دیروز تنیس بازی کردیم. او خیلی از من بهتر است، بنابراین به آسانی برنده شد.»

● در جای خالی اول مقایسه دو نفر در میان است و صفت برتر می‌آید. در جای خالی دوم بعد از فعل اصلی از قید استفاده می‌کنیم.

۱ ۳۱۹

«هر سه دوربین خوب به نظر می‌رسند، اما کاربرد کدام یک از همه آسان‌تر (آسان‌ترین) است؟»

● ترجمه فارسی شما را گول نزنند. برای مقایسه یک چیز با چند چیز از صفت برترین استفاده می‌کنیم. ضمناً بعد از فعل ربطی look، صفت به کار می‌رود نه قید.

- ۳ ۳۲۰ «هوا امروز از دیروز سردتر است، اما هنوز برای رفتن به بیرون برای پیاده روی تا حدی خوب است.»
- مقایسه بین هوای امروز و دیروز است، بنابراین صفت برتر لازم داریم. اشکال گزینه ۲، وجود more قبل از cooler است که نادرست است. بد نیست بدانید می‌توانیم برای تأکید روی صفت برتر قبل از آن much much cooler بیاوریم. مثلاً much cooler یعنی «خیلی خنک‌تر».
- ۱ ۳۲۱ «دیروز یک پیراهن نخی ترکی صورتی خوب خریدم که خیلی زیبا بود.»
- ترتیب صفات. (کیفیت، رنگ، ملیت، جنس)
- غذایی که آن‌ها سرو کردند به آن خوبی که من انتظار داشتم، نبود.
- در اینجا خوبی غذای فعلی با آنچه مورد انتظار من بود مقایسه شده است. بنابراین از ساختار as ... as استفاده می‌کنیم.
- ۴ ۳۲۳ من آنقدر تنها بودم که والدینم برایم یک توله سگ خریدند.
- با وجود that clause و صفت lonely به so نیاز داریم.
- ۳ ۳۲۴ آناناس به لحاظ تجاری در آمریکای شمالی تولید نمی‌شود، و نارگیل هم همینطور.
- برای بیان یک جمله منفی با مفهوم مشابه جمله قبل، از الگوی زیر استفاده می‌کنیم.
فاعل + فعل کمکی (مثبت) + and neither + (منفی) جمله اول
- ۲ ۳۲۵ خودکارهای جدید نسبت به خودکارهای معمولی نیاز به یک جوهر غلیظ‌تری دارند.
- اسم (ink) بعد از صفت (thicker) قرار می‌گیرد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)، همچنین برای اشاره به اسمی که برای شنونده ناشناخته است از حرف تعریف a استفاده می‌کنیم، بنابراین گزینه ۲ صحیح است.
- ۲ ۳۲۶ فقط یک بار در طول مدتی که در ایتالیا بودم توانستم به اپرا بروم.
- در این جمله once به معنی «یک بار» و only once (فقط یک بار) نشان دهنده محدودیت است، بنابراین در جمله بعد از آن وارونگی رخ می‌دهد. once به معنی «زمانی که، وقتی که» هم هست که اگر در ابتدای جمله بیاید، وارونگی در جمله دوم رخ می‌دهد.
- ۳ ۳۲۷ تو آنقدر گستاخانه با او صحبت کردی که من فکر نکنم او دوباره به اینجا برگردد.
- به دلیل وجود that clause، گزینه‌های ۲ و ۴ را کنار می‌گذاریم. از طرف دیگر با توجه به فعل talked، نیاز به قید داریم، نه صفت؛ بنابراین گزینه ۳ صحیح است.
- ۳ ۳۲۸ من و شما با هم به توافق نمی‌رسیم. به عبارت دیگر، عقاید شما با مال من (عقاید من) یکسان نیستند.
- برای بیان یکسان بودن دو چیز از the same استفاده می‌کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۲). ضمناً، مورد مقایسه ایده‌های دو نفر هستند نه خود دو نفر و به ضمیر ملکی نیاز داریم، نه ضمیر مفعولی (رد گزینه ۴).
- ۲ ۳۲۹ حالا که دوقلوها هردو موهای خود را کوتاه کردند، حتی شبیه‌تر به نظر می‌رسند.
- برای بیان مشابهت دو چیز می‌توانیم از صفت alike (مشابه، شبیه) بعد از فعل ربطی (در اینجا look) استفاده کنیم که با توجه به قید تأکید even (حتی) لازم است شکل تفضیلی آن را به کار ببریم، یعنی گزینه ۲.
- ۲ ۳۳۰ هر چه کیف پول پرتر، کله خالی‌تر.
- برای مقایسه دو عملی که به موازات یکدیگر تغییر می‌کنند، از ساختار « صفت تفضیلی + the، صفت تفضیلی + the » استفاده می‌کنیم. اصلاً فکر نمی‌کردم که رئیس شرکت شوم.
- ۲ ۳۳۱ Little در این جمله به معنی «اصلاً، اصلاً» است و جزو کلمات منفی کننده است که اگر در ابتدای جمله قرار گیرد، جمله بعد از آن شکل سؤالی می‌گیرد (رد گزینه‌های ۱ و ۳). با توجه به این که فعل جمله بعد از Little یعنی «think» به عملی در گذشته اشاره دارد، گزینه ۲ صحیح است.
- مشتری هر قدر بیشتر شکایت کرد، مدیر ناخشنودتر شد.
- ۲ ۳۳۲ برای مقایسه دو عملی که به موازات یکدیگر تغییر می‌کنند، از ساختار « صفت تفضیلی + the، صفت تفضیلی + the » استفاده می‌کنیم.
- برخی از چیزها بیش از حد کوچک هستند که بتوان آن‌ها را بدون یک میکروسکوپ دید (نمی‌توان دید).
 - با توجه به معنی منفی جمله، باید از too و مصدر استفاده کنیم.
- ۴ ۳۳۴ در حال حاضر، تبلیغات یکی از صنایع کاملاً قانونمند در سراسر دنیاست.
- در این جمله، strictly قید تأکید، regulated صفت و industries اسم است. برای توصیف صفت از قید استفاده می‌کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۲)، و صفت قبل از اسم قرار می‌گیرد؛ بنابراین گزینه ۴ صحیح است.
- ۱ ۳۳۵ مغازه دار به ندرت هیچ‌گونه از آن نوع کتاب‌های گران قیمت را دارد.
- hardly (به ندرت، به زحمت) یک قید منفی ساز است و با not یا some نمی‌آید.
- ۳ ۳۳۶ تغییر فاحش در آب‌وهوا آنقدر فوری بود که کاملاً غیر منتظره بود.
- با توجه به معنی جمله، در جای خالی به so (آنقدر) نیاز داریم و پس از آن that clause می‌آید که حتماً باید حاوی فاعل و فعل باشد. بنابراین گزینه ۳ صحیح است.
- ۲ ۳۳۷ حلقه‌های (سیاره) زحل بیش از حد دور هستند که بدون تلسکوپ از زمین دیده شوند.
- با توجه به مفهوم جمله و وجود مصدر بعد از جای خالی، گزینه ۲ صحیح است.
- ۱ ۳۳۸ به ندرت چنین غذای خوشمزه‌ای را خورده‌ام.
- با توجه به به قید منفی ساز rarely (به ندرت) در ابتدای جمله، نیاز به وارونگی داریم، یعنی باید جای فعل کمکی و فاعل عوض شود و گزینه ۱ صحیح است. در گزینه ۴، rarely بعد از فعل قرار گرفته که غلط است.

Chapter 2

Vocabulary